

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله و لعنة الله على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و على آبائه في هذه الساعة و في كل ساعة وليا و حافظا و قاعدا و نصرا و دليلا و عينا حتى تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فيها طويلا

خدای بزرگ را شاکرم که توفیق داده در محضر شما برادران و خواهران باشم واقعه این است گاه که فرصت پیش می آید تا این جا باشم و در کنار این امامزاده شریف باشم از لحظات خاطره انگیز برای من هست .

مطلب را با این موضوع شروع می کنم که به نظر شما حادثه عاشورا چند جهت دارد و کدام را باید پررنگ کرد؟ به تعبیر علمی رفتار شناسی حادثه عاشورا را اگر داشته باشیم چگونه باید رفتار شناسی کنیم؟ این مساله به قدری مهم است اگر روحانیون یا دانشجویان این را موضوع پایان نامه یا رساله خود قرار دهند یا اگر اهل پژوهش هستند یک تحقیق در این باره ارائه دهند ارزش دارد من می شناسم دوستانی را که اهل قلم هستند اگر این موضوع را کار کنند ارزش دارد .

• عاشورا و تفاوت دیدگاه ها نسبت به آن در دوران های مختلف ؛ سه دیدگاه درباره عاشورا

حادثه عاشورا را امشب می خواهیم رفتار شناسی کنیم .

سوال این است که حادثه عاشورا چه شانی دارد و چه را باید در حادثه عاشورا پررنگ کرد؟

راجع به واقعه عاشورا گر چه عده ای معتقدند حادثه نباید گفت ...

راجع به عاشورا یک نگاه ، نگاه مصیبت و یک نگاه نگاه تعزیت است

واقعه عاشورا را یک واقعه غم انگیز میدانند و می آید حوادثی را که در عاشورا عاطفی و احساسی است پررنگ می کند .. شما چقدر روضه علی اصغر را شنیدید چقدر روضه علی اکبر را خواندند چقدر از اسارت اهل بیت گفته شده در حادثه کربلا چقدر از مصیبت هایی که روز عاشورا و قبل و بعد عاشورا اتفاق افتاده مطلب بیان شده و چقدر مقاتل نوشته شده است ..مقاتل به کتابی می گویند که جنبه احساسی و حزن انگیز عاشورا را بیان می کند یعنی حادثه عاشورا یک حادثه احساسی عاطفی حزن برانگیز ..تلقی شده البته درست هم هست یعنی همه این ها در حادثه عاشورا بوده و خیلی بیشتر از اینها هم بوده است .

مخصوصا این که انسان خوب تدبر کند این که جناب علی اصغر روی دست امام علیه السلام شهید می شوند و تیر به گوی او می خورد ما یک چیزی تصور میکنیم که یک پدر، فرزندش روی دستش پرپر شود و بال بزند و سرش در واقع از بدنش جدا شود چقدر حزن انگیز است چقدر مایه تآثر و اندوه و گریه است چقدر احساسات انسان را تحریک می کند حتی اشک غیر مسلمان را جاری میکند . هر کسی ذره ای احساس و عاطفه داشته باشد، برای او از حادثه عاشورا گفته شود مایه گریه و ناراحتی او می شود.

میدانید عزاداری بر امام حسین علیه السلام همیشه تاریخ بوده است اما اوائل قرن چهارم زمان آل بویه وقتی بر عراق و بر بغداد پیروز می شوند این ها ایرانی بودند بخشی از ایران را میگیرند و بر بخشی از عراق مسلط می شوند و خلیفه عباسی سنی را در اختیار میگیرند و خودشان هم شیعه اند ؛ بغداد ایام عاشورا را به عنوان عزا اعلام می کنند اولین عزاداری گسترده (البته زمان امام سجاد و امام باقر و امام صادق هم بوده است) در زمان آل بویه بوده است و این که حکومت دنبال این کار باشد زمان این حکومت بوده است وقتی ما عزاداری امام حسین علیه السلام را در زمان آل بویه رصد می کنیم، می بینیم همین نمادها و سبب های عزاداری هم بوده است

زمان صفویه هم عزاداری با ز به اوج خود می رسد در قرن دهم یا دهم و دوازدهم عزاداری باز رونق میگیرد در دوران قاجار هم باز به همین سبک و ترتیب بوده است و در زمان پهلوی اول هم با همه اختناقی که بوده این مراسم باز برگزار می شده تا این که به زمان ما رسیده است .

به هر حال یک نگاه و یک حادثه تحلیلی است از عاشورا .

و معمولا هم اگر از جریان عاشورا سوال کنند که هر کدام از اصحاب و فرزندان امام به چه شکلی شهید شدند ما نحوه شهادت آنها را به گونه ای که شنیدیم بیان خواهیم کرد و این جنبه البته که در واقع جنبه احساسی و عاطفی این واقعه است .

و یا جریان اسرا و یا خرابه شام و ... و یا بدن امام حسین چند روز در آفتاب بود و بعد چگونه دفن شد و خلاصه از واقعه عاشورا ما این مسائل را بلدیم .

میخواهم بگویم چرا ما فقط این ها را بلدیم والا واقعه عاشورا می شود با نگاه های دیگر هم نگاه کرد اما تقریبا از صد سال اخیر یک جهت دیگری از واقعه عاشورا مطرح شده است و آن فکر می کنید چه بود؟ غیر از جنبه ناله و روضه و مصیبت و من اسم آن را می گذارم جنبه حماسی و انقلابی عاشورا و چیزهایی مطرح شد و امام حسین به عنوان رهبر آزادگان جهان مطرح شد یعنی مقابل ظالم ایستادن و دفاع از امر به معروف و نهی از منکر ، شمشیر زدن ... و این مباحث کم کم از واقعه عاشورا مطرح شد مخصوصا آن هایی که سن آن ها اقتضا میکند در دهه پنجاه حدود شصت سال و .. که بعد هم به انقلاب متصل شد این جنبه از واقعه از سوی گویندگان و نویسندگان بسیار روی آن تمرکز شد ...

یعنی دید اول می گفت امام چگونه شهید شد و نگاه دوم می گفت امام چرا شهید شد..

یا این که در واقعه عاشورا چه گذشت و یا این که واقعه عاشورا چرا به وجود آمد؟

بعد هم که انقلاب شد و انقلاب هم نیاز داشت و مسئولین و رهبران انقلاب نیاز دارند که این جهت را در واقعه و حادثه عاشورا پررنگ کنند یعنی الان شما هنوز در خطبه ها این جهت را پررنگ می کنند . شاید آن جمله معروف گاندی را شنیده باشید که گفت من امام حسین را رهبر آزادگان جهان میدانم و گفت من انقلاب هند را ا زقیام و انقلاب حسین بن علی الهام گرفتم

او یک هندویسم است اما در مقابل حقیقت این قدر انسانیت دارد که اعتراف کند .

در مورد امام حسین علیه السلام به همین شکل نوشته اند و گفته اند

من قبل از این که این جا بیایم و یک کلیبی را نگاه می کردم ، شاعر شهیر مسیحی نزار لبنانی دوست داشتم ببینم شعرهایش چگونه است چنان از امام حسین در اشعارش می گوید انسان لذت می برد و یک بند شعرش این است که خورشید برو که حسین هست ... یا دیگرانی که مطالب زیادی گفته اند و جنبه حماسی و انقلابی و جنبه زندگی اجتماعی از حادثه عاشورا را مطرح کرده اند و البته درست هم هست . شما فکر میکنید من می خواهم نقد کنم؟ این طور نیست به هر حال این جریان یک حرکت انقلابی است که امام هم خود بیان می کند که من می خواستم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به شیوه جدم عمل کنم و قیام کردم . چه بسا برای این امر به معروف و نهی از منکر باید دست به شمشیر هم شوم یا به زندان هم بروم ...

عاشور بعد سومی هم دارد که خیلی کم به آن توجه شده است و من می خواهم گلایه کنم این جا باید گلایه داشت هم نسبت به قبل هم بعد انقلاب که این جنبه بسیار کم توجهی شده است ... واقعه عاشورا یک جهت سومی هم دارد و من و شما عزادار سید الشهداء بیش از هر چیز به این جنبه سوم نیاز داریم و گرچه جنبه اول و دوم هم نیاز است . غیر از جنبه اول و دوم ، واقعه عاشورا جنبه سوم دارد و آن این که یک انقلاب اخلاقی است و این جنبه کمتر گفته می شود و به گوش عزادار هم کمتر رسانده میشود .

این جنبه اخلاقی نمونه ها و نمودهای زیادی دارد

• مصداق نگاه اخلاق محور به حادثه عاشورا

امام حسین علیه السلام روز دوم وارد کربلا میشوند ... یعنی از آن طرف امام به کربلا می آیند و از این طرف هم حر با هزار نیرو وارد کربلا می شود و او ماموریت دارد با هزار نیرو مانع از حرکت امام شود . گر چه خود او شاید برای ممانعت از یک کاروان کافی بود. خلاصه این که به امام علیه السلام می گوید من نمی گذارم قدم از قدم برداری امام فرمودند بگذار من برگردم گفت نمی گذارم امام به او گفتند اجازه بده ما به کوفه برویم که گفت من اجازه ندارم امام گفتند اجازه بده ما به یمن برویم و او گفت من فقط اجازه دارم تا شما را متوقف کنم . که امام هم به او فرمودند هر کار می خواهی بکن ... بعد امام دیدند لشکریان حر تشنه اند، امام زودتر رسیده بودند و سحر رسیده بودند و آب برداشته بودند امام دیدند سربازان حر تشنه اند به سربازانشان فرمودند ما فعلا اب نیاز نداریم آب را به این ها بدهید ؛ ما بعد دوباره آب بر می داریم و اب خنک میشود. امام آب خنک و گوارا را روز دوم به لشکریان

حر دادند . بحث این است که درست است که حر سعادت‌مند شد اما رفتار اول او، درست نبود. و یا زمانی که امام می خواستند نماز بخوانند حر هم گفت : شما نماز بخوانید و ما به شما اقتدا می کنیم. یعنی نماز ظهر دوم محرم امام حسین علیه السلام بودند و ماموم آن ها لشکریان امام و لشکریان حر بودند و خود حر ...چه جور باید بشود که هر د و اهل قبله و هر دو هم اهل نماز ؛ هر دو رو به قبله بایستند به نماز و هر دو لشکر به روی هم شمشیر بکشند.

سوال این است که چه عاملی باعث می شود که امام آب خنک لشکرش را به لشکریان حر بدهد . این حرکت امام به ما این درس را میدهد که در کمک کردن به بندگان خداوند شاقول نیندازیم . مثلا بگوییم این خودی است یا آن مسلمان است یا آن نامسلمان است و ..به این کمک کنیم به این دلیل و به آن کمک نکنیم به این دلیل و از این حرفها ...

این جمله که چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است جمله اشتباهی است به هر حال این یعنی خط و مرز کشیدن وحد و حدود تعیین کردن بحث این است که ما باید به این دید نگاه کنیم که به هر حال انسان است و چه بسا کسی را که غریبه حساب می کنیم او از ما گرسنه تر باشد و باید در مثلا مراسم توزیع غذایی که هست و شاید گاه حدو حدود تعیین می کنیم، بیشتر مد نظر داشته باشیم . صبح عاشورا است و امام به یکی از اصحابشان به نام عمیر انصاری (این را البته پسرش نقل می کند) فرمودند : ای عمیر در بین لشکریان من اعلام کن بگو هر کس حق الناس گردنش هست برودمن نمی خواهم در رکابم کسی شمشیر بزند که حق مردم گردنش باشد . به هرحال حساب حساب است یک نفر بلند شد و گفت من حقی گردنم هست و همسرم گفته من ادا می کنم که امام فرمودند مطمئنی همسرت این حق را ادا میکند؟ چه بسا کسی حق الناس گردنش هست و می اید در هیات هم شرکت می کند و زنجیر هم می زند و سینه هم می زند البته که عزاداری می کند و دستش درد نکند ولی چنین اشخاصی معمولا بعضا حق زن و فرزند و همکار و مردم گردنشان است که ادا نکرده اند و باید ادا کنند . پست قبول کرده نمیتواند اداره کند، استعفا نمیدهد . این که انسان کاری را قبول کند که نتواند انجام دهد این مصداق حق الناس است . و یا جریان حق الله ...یکی از اصحاب شاید عمرو بن عبدالله باشد به امام گفت: ظهر است و وقت زوال است و وقت نماز است ...امام به او می فرمایند که خدا تو را از ذاکران قرار دهد برو از این ها بخواه که ما آخرین نمازمان را هم بخوانیم. 35:14 به هر حال به نماز می ایستند و یکی دو نفر سپر تیرهایی می شوند که به سمت امام می آمد و در این میان یکی از این ها شهید شد و چه سعادت که انسان قربانی امام زمانش بشود.

خدایا ما را با معارف قرآن آشناتر بگردان

خداوندا توفیق عمل به معارف قرآن به ما عنایت بفرما

السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التي حلت بفنائک علیک منی سلام الله ابدًا ما بقیت و بقی اللیل و النهار و لا جعله الله آخر العهد منی لزیارتکم السلام علی الحسین و علی بن الحسین زین العابدین سید الساجدین و علی بن الحسین الشہید بکربلا و علی ابوالفضل العباس و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین

الا لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون